

صہیونیسم

مذہب اخلاق در غرب

پروفیسور مایکل جرنز

مترجم: عباس حاجی ہاشمی

دیباچہ:

رضا منتظمی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شماره نخست، « صفحه اصلی جاذبات بیرونی » « جستجوی کتابشناسی » « جستجو پیشرفته » « لیست مدارک یافت شده »

برچسب‌ها	
میرحسین	جوز، مایکل
عنوان و نام پدیدآور	Jones, Michael
مشخصات نشر	صهیونیسم و سقوط اخلاقی در غرب / مایکل جوز؛ مترجم عباس حاجی‌هاشمی. تهران: سیمافا پارس، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۹۴ ص.
شابک	۱۷۰۰۰۰ روال: 978-600-96104-1-9
وضعیت فهرست نویسی	فبا
یادداشت	عنوان اصلی: Zionism and the fall of morality in the West.
موضوع	نمذ - جدید -- تأثیر بود
موضوع	Civilization, Modern -- Jewish influences
صو	صهیونیسم
موضوع	Zionism
موضوع	صهیونیست‌ها -- ایالات متحده
موضوع	Zionists -- United States
موضوع	ایالات متحده -- نمذ -- تأثیر بود
موضوع	United States -- Civilization -- Jewish influences
شماره افزوده	حاجی‌هاشمی، عباس، مترجم
نمایانه	Hadji Hashemi, Abbas
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ ص ۹/۴۱ DS
رده بندی دیویی	۹۵۶/۹۴۰۰۱
شماره کتابشناسی و	۴۷۷۵۵۱۳

• راه‌های گریز

• صفحه فر فارسی

• نمایان

• گزین اول از انواع داده

• یادآوری مهم:

صفحه کنه را در حالت فارسی قرار دهید. اگر هرگز سند از امکان فارسی به‌روزی نیست، روی دکمه «بازگشت به فارسی» از صفحه کنه فارسی کلیک کنید.

www.ketab.ir

آدرس ثابت صهیونیسم و سقوط اخلاقی

صهیونیسم و سقوط خلاق در غرب

پروفسور مایکل جونز

مترجم: عباس حاجی هاشمی

دیباچه: رضا منتظمی

ویراستار: حسن عسگری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۰۴-۱-۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ناشر: سیمای پارسا

صفحه آرای: جعفر خدایی

نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۶

چاپ: نگین چاپ

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست

۷	دیباچه
۱۵	پیشگفتار
۲۲	مقدمه:

فصل اول

۲۹	ریشه‌ی براندازی یهود: ارتداد از پذیرش پیامبر الهی
----	---

فصل دوم

۴۹	یهودیان به آمریکا وارد شده و هالیوود را می‌سازند
----	--

فصل سوم

۵۰	سقط جنین و یهودیان
----	--------------------

فصل چهارم

۷۳	ویل‌هلم ریچ، نظریه پردازی انقلاب جنسی
----	---------------------------------------

فصل پنجم

۸۷ دلیل در تاریخ

فصل ششم

۹۷ مطالعه‌ی موردی: بحران تجاوز در هندوستان

فصل هفتم

۱۶۳ منشأ زندگی روزمره‌ی ما

فصل هشتم

۱۷۹ یهودیان و از سر ج هر جنس همایان

دیباچه

این کتاب از شاهکارهای تحقیقاتی در باره یکی از حساس ترین موضوعاتی است که به عنوان چالش مرکزی، امر از بشر مطرح است. کتاب توسط یکی از برجسته ترین نویسندگان و محققان معتبر و با ایمان مسیحی کار شده است. پروفیسور مایکل جونز سابقه ۴۰ سال تحقیق و مطالعه، مبارزه با انحرافات اخلاقی و فرهنگی که شبکه صهیونیستی در آمریکا ایجاد کرد، دارد. پروفیسور مبتکر مجله ای تحت عنوان جنگ فرهنگی است. موضوعی که خیلی بعدها ایران، آن توجه پیدا کرد. این اثر از آن جهت حساس و پر اهمیت است که چالش دیگری بشر حاضر را مورد توجه قرار داده است. سه دین اصلی یهود، مسیحیت و اسلام، عنوان ادیان الهی که رسالت برای بشر دارند، طرف اصلی این تحول و حادثه هستند. زیرا با روی کار آمدن اولین تمدن غیر دینی غرب که بر کل جهان سیطره بلامنازع پیدا کرده است، جهان دینی با یک چالش اصلی رویارو و درگیر شد. چالش جهان دینی با عدم غیر دینی. حادثه ای که بشر امروز با آثار غیر اخلاقی و غیر معنوی این چالش بزرگ به شدت درگیر است.

پروفسور جونز یهودیان افراطی را منشاء تغییرات بنیادی و سقوط اخلاق، ارزش‌های انسانی، پاکی و دین در جهان می‌داند، اما تأمل در مبانی فلسفی، فکری و مطالعات عمیقی که رنه گنون فیلسوف فرانسوی و پس از آن دکتر رضا داوری اردکانی و دکتر سید حسین نصر از فلاسفه شیعه در جهان اسلام در مدرنیته انجام دادند، روشن می‌کند، که تغییرات عالم و آدم با ظهور مدرنیته و تمدن جدید غرب شکل گرفت. تمدنی که برای اولین بار، با ایجاد و گسترش بزرگترین جریان غیر دینی، سکولار در جهان، با تکیه بر کلیه تولیدات علمی و تئوری، بویژه در حوزه علوم انسانی، رسانه، فرهنگ، هنر و سینما و سیطره آن بر اینترنت، عالم و آدم را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار داد. در نتیجه محصول مدرنیته و تمدن جدید غرب و از آن مهم‌تر سیاره صوریسم جهانی بر آن به بزرگترین حادثه و تحول مرکزی امروز بشر تبدیل گردید. آری چالش مرکزی این عصر تقابل جهان معنوی، پاکی، معصومیت و اخلاق در برابر عالم غیره، خوی، غیر اخلاقی، آلودگی و شیطانی است. تفاوت دیدگاه پروفسور جونز به عنوان نگاه متذکر الهیات و معناگرا با فلاسفه شیعه در این نکته است که پروفسور منشاء این تغییرات بنیادی را جهان امروز در یهودیان افراطی می‌بیند. اما فلاسفه شیعه در مدرنیته.

بدون تردید، همانگونه که یهودیان افراطی در بزنگاه‌ها و چرخش‌های مهم تاریخ حضور داشته و با نزدیکی به دولت‌ها در هر عصری بر مقاطعی در تاریخ سیطره پیدا کرده‌اند، نقش و تسلط یهودیان را که با گسترش تمدن جدید غرب به جهان به عنوان یک شبکه صهیونیستی با سیطره بر تمدن غرب شناخته شدند، حضور و نقش

بلامنازعی پیدا کردند. صهیونیست‌ها به سرعت به مهمترین مراکز حساس علمی، فرهنگی، تئوری سازی‌های علوم انسانی، هنری، هالیوود، ادبیات، هجوم بردند و این مراکز را به عنوان اصلی ترین اتاق‌های فرماندهی و تاثیر گذری بر بشر به اشغال خود در آوردند. بدیهی است که یهودیان از دیگر مراکزی که در شکل گیری قدرت نقش مرکزی داشت غافل نبودند. سیستم مالی جهان را از طریق بانک‌ها شکل دادند. در مراکز سیاسی و تصمیم سازی نفوذ پیدا کردند، تا جایی که تصمیمات امروز جهان تحت تاثیر سیاست‌گرایان و جهانی شدن آرمان‌های آن‌ها در حرکت است.

اگرچه این تفارک نگاه صرفی در شرایط و محصولاتی که مدرنیته باشکل دادن به عصر جدید داد، پدید آمد، شاید بتواند صرفا پروفیسور را به تامل وادارد که بیاندیشد، در مسیحیت چه ظفر بر روی که مدرنیته و جهان غیر دینی از دل آن بیرون آمد. تحولی که باشکل گیری مجدد، مذهب یسوع نیز بر آن مسلط شد. در این نقطه حساس است که نگاه مشترک شیعه و ملامت اسلامی با کاتولیک به هم نزدیک می‌شود. البته پروفیسور نفوذ یهود را در شکل گیری مدرنیته بی تاثیر نمی بیند. او نشان می‌دهد که خطوط و جریان‌هایی از یهود چگونگی در تحولات و تغییرات در دوره شکل گیری مدرنیته و بویژه تحولات بعد از آن ایفای نقش کرده است. خود را گستر دادند. این‌ها مطالعات مهمی است که همواره گمانه زنی‌های زیاد و حدس‌ها به آن وجود داشت، اما تحقیقات پروفیسور بسیار جای تامل و مطالعه دارد.

اما آثار شیطانی حادثه از آن جا شروع شد که تمدن غرب با انفجار ارتباطات و سیطره اینترنت و ماهواره پای خود را از مرزهای جغرافیایی اروپا و آمریکای شمالی

به بیرون گذاشت و به سمت بقیه جهان حرکت کرد. برخورد دو حوزه تمدنی غرب و اسلام از این پس طوفانی و متلاطم گردید. این طوفان و تلاطم در دو سطح صورت و جوهر به موازات هم پیش رفت. شاید کسی در سطح رنه گنون نتوانست درک و پیش بینی کند که در ذات دو حوزه تمدن جدید غرب و اسلام چه تفاوت‌های حیرت انگیزی روی داده است. تفاوت‌هایی که به میزان نزدیکی به هم تبدیل به طوفان و تغییرات بنیادی می‌شود. رنه گنون به عنوان اولین فیلسوف غربی این حادثه ۸۰ سال پیش دریافت که هیچ آثاری از آن در آن زمان قابل درک و فهم نبود. اما رنه کسی بود که این تفاوت دو حوزه تمدنی غرب و اسلام را به تفاوت‌های ذاتی دو "مذهب" و غیر دینی تبیین کرد. موضوعی که فرانسویس فوکویاما نزدیک به یک قرن بعد به عنوان "بایانده تفکر لیبرالیسم و مدرنیته به آن اعتراف کرد. از این پس حادثه مهم جهان آغاز شد. کار کرد. اتفاق مهمی که هم اکنون در حال رخ دادن است، بوقوع پیوست. ظهور اولین تمدن سکولار و غیر دینی جهان و سیطره آن بر عالم و آدم، به اتفاق مرکز جهان "روز تبدیل" گردد. فوکویاما در این اعتراف وجه تمایز و برجسته تمدن غربی را بیان و تاکید کرد: "تمام اندیشه‌هایی که تا ۳۰۰ سال پیش جوامع انسانی را شکل داده‌اند، ریشه در دین داشته‌اند. اما نخستین تفکر غیر مذهبی که تأثیراتش تا به امروز در جهان ادامه داشته است لیبرالیسم است" این تمام داستان بشر این عصر است. از این نقطه است که با برخورد دو جهان دینی و غیر دینی به تعبیر رنه گون تاریخ جدید و پر تلاطم و سرشار از آشوب آغاز می‌شود و بحران دنیای متجدد به بقیه جهان تخلیه می‌شود. حادثه به اینجا

ختم نمی شود. ابعاد فاجعه با سیطره شبکه لابی های صهیونیستی بر تمدن غرب گسترده تر می شود. انسان، ارزش های الهی، پاکی، اخلاق معصومیت و معنویت و اصل دین در معرض هجوم هولناکی که تا کنون در زندگی بشر سابقه نداشته است، قرار می گیرد. ادیان الهی در معرض تعرض قرار می گیرد. تحقیقات پروفیسور جونز اگر چه در انشاء شکل گیری تمدن جدید و مدرنیته تأمل نکرده است اما از مرحله نفوذ سهم یسیم در ارکان این تمدن، ناب ترین مطالعاتی است که در جهان بر روی این پدیده سده است. او با پهل سال کار متمرکز به خوبی لایه های این تغییرات و جایجایی بزرگ را نشان داده است.

سه دین اصلی یهود، مسیحیت و اسلام به عنوان ادیان الهی که رسالت بشری برای هدایت و ابعاد معنوی، پاکی، اخلاقی و معصومیت انسان دارند، طرف های اصلی این تحول و حادثه هستند. زیرا با روی کار آمدن او بن تمدن غیر دینی غرب که بر کل جهان سیطره بلامنازع پیدا کرده است، جهان به سمت یک رویارویی بزرگ سوق داده شد. چالش جهان دینی با عالم غیر دینی، حادثه ای در بشر امروز با آثار غیر اخلاقی و غیر معنوی این چالش بزرگ در کل کره خاکی به شدت با آن درگیر است. نکته مهم تر در این چالش فاجعه ای است که صهیونیسم با به کار آمدن در آوردن تمدن غرب امپراطوری شیطان را بر جهان مسلط کرد. مهمترین بخش های تمدنی غرب که کارکرد تخریبی در جنبه های پاکی، معنوی، اخلاقی و انسانی بشر دارند، با رسانه، فرهنگ، هنر، موسیقی و سینما و اینترنت مدیریت به بازی گرفته شدند. بخش مهمی از این اهرم ها که در کنترل صهیونیسم بین الملل قرار دارد به قدرتی

جهنمی برای تخریب، ارزش‌های مقدس و نابودی انسان آرایش گرفت.

نکته کلیدی که پروفسور مایکل جونز نویسنده معناگرای آمریکایی و پژوهشگر الهیات در تحقیقات وسیع خود نشان می‌دهد، با طراحی و عملیاتی که صهیونیسم در آمریکا و اروپا انجام داد، مسیحیت را به عنوان یکی از سه دین اصلی، از صحنه بازیگری جهان حذف کرد. به این ترتیب سقوط کلیسا، دین و اخلاق در غرب اتفاق افتاد. فروپاشی اخلاق و معنویت در غرب از تبعات سقوط مسیحیت در اروپا و آمریکا بود. پروفسور تاکید می‌کند که تصویب قانون همجنس‌گرایی در آمریکا طرح تک‌پارتنری صهیونیسم برای فتح آخرین پایگاه‌های مسیحیت و کلیسا و زدن ضربه نهایی برای اروپا و از بین بردن آخرین آثار حیات معنویت، دین و اخلاق در جامعه مسیحی است. این بود که آثار آن به سرعت در اروپا و بقیه جهان منعکس خواهد شد.

به این ترتیب صهیونیست‌ها موفق شدند که مسیحیت را از میدان بازی خارج کنند، تا حدی که امروز به تعبیر پروفسور جونز، مسیحیت هیچ نقشی نمی‌تواند برای بشر بازی کند. جهان مسیحیت در رصبت تاریخی با یهود آنچنان ضربه هولناکی خورد که آثاری از حیات در آن باقی نمانده است. به این جهت در بزرگترین رویداد غیراخلاقی غرب که اخیراً در قانونی شدن همجنس‌گرایی اتفاق افتاد، مسیحیت آنچنان فروپاشیده است که هیچ آثار حیات در آن مشاهده نشد و به تاکید پروفسور شکست پایانی مسیحیت در برابر یهود افراطی رقم خورد.

اکنون یهودیان افراطی و صهیونیسم در برابر اسلام قرار دارند. آن مصیبتی که

صهیونیسم بر سر جهان اسلام آورد، هولناک تر از سرنوشتی بود که بر مسیحیت رفت. صهیونیسم موثرترین کشورهای حوزه عربی را آنچنان با صهیونیسم در هم آمیخت که اکنون سعودی به شدت انتحاری و رادیکال تر از صهیونیست اهداف آن‌ها را در منطقه در برابر ایران دنبال می‌کند. صهیونیسم اکنون سوار بر بستر وهابیت سردی از دل جهان اهل سنت آنچنان فرزند نامشروعی بدنیای تحویل داد که پنهان شوکه شد. این فرزند بجز نیروهای مزدور آن، از دل جریان برخی از مبارزترین، انقلابی‌ترین و مخلص‌ترین جوانان اهل سنت که برای دین خدا جهاد می‌کردند، تحت فرمان است. النصره زاده شد. تولید این تروریسم کور از دل اسلام اتفاق کوچکی نبود. به این ترتیب طراحی و مدیریت صهیونیسم دو دین اصلی مسیحیت و اسلام (بخش اهل سنت آن) به گل نشست و در برابر حرکت امواج غیر اخلاقی و غیر دینی صهیونیسم سگست عود. در نتیجه چالش مرکزی بشر با پیروزی امپراطوری شیطان (به تعبیر پروف. نور مایکل جونز) ادامه یافت. دین یهود نیز در کنترل رهبران و تصمیم‌سازان صهیونیستی است. در نتیجه سه دین اصلی مسیحیت و یهود و بخش اهل سنت اسلام که باید در سرین ارکان جهت‌تغذیه معنویت، معصومیت، پاکی و اخلاق و ارزش‌های دینی برای بشر باشند، ریخت. نگران‌کننده تر آنکه تبدیل به عوامل و ظرفیت‌های باورنکردنی شدند که جریان صهیونیستی آن را مدیریت می‌کند. این عجیب‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین رویداد بشری است که بخش مهمی از رهروان سه دین اصلی یهود، مسیحیت و جهان اهل سنت در کنار صهیونیسم برای نابودی انسان و مقابله با دین و معنویت همدست و

همداستان شده اند.

در این آشوب، مکتب اهل بیت (ع) و تشیع با مدیریت ایران و هدایت خردمندانه و مقتدر رهبری در کارزار و میدان بزرگترین نبرد تاریخ برای بشر در برابر قطب و حرکت غیر دینی عالم که صهیونیسم آن را مدیریت می کند، تنها ماند. این آرایش حساس ترین لحظات زمان عصر حاضر است که آینده بشر را در این نبرد تاریخی رقم می زند.

رضا منتظمی

کارشناس اروپا و آمریکا و

دبیر اجرایی کنفرانس بین المللی افق نو

پیشگفتار

در جولای ۲۰۱۵، دیوان عالی کشور، حکم مشهور اوبرگفل^۱ فاو هاجس^۲ را تنها با یک رأی مخالف برانداخت. سنانند که همه‌ی قوانین مربوط به انحصار برقراری ازدواج میان یک زن و یک مرد، مرده دمی ساخت. قاضی آنتونین اسکالیا^۳ در نظری مخالف با آن حکم اظهار داشت که این حکم دیوان عالی «تهدیدی بر مردم سالاری آمریکایی» است. اسکالیا در ادامه گفت که حکم اوبرگفل «می‌گوید حکمران من و حکمران ۳۲۰ میلیون مردم سراسر آمریکا، اکثریت نه نفر من و کلای دیوان عالی کشور هستند» و سپس به این نکته اشاره کرد که چهار نفر آن در دیویو، یک سیتی زندگی می‌کنند.

همان‌طور که قاضی اسکالیا اشاره داشت، حکم اوبرگفل بخشی از یک سلسله هم‌زمان به نظم اخلاقی و حکومت مردم محور ایالات متحده‌ی آمریکا به صورت کلی، و به طور خاص در ایالات ایندیانا بود. هر دو مبحث اخلاق و مردم سالاری دارای ارتباط معنی‌داری هستند زیرا همان‌طور که جان آدامز^۴، یکی از پدران بنیان‌گذار آمریکا

1. Obergefell v. Hodges

2. Antonin Scalia

3. John Adams

گفته است «هیچ اساس نامه‌ای وجود ندارد که بدون وجود افراد اخلاقی عملی شود.»^۱ برای فروپاشی شکل حکومتی آمریکا، شورشیان فرهنگی ابتدا می‌بایست بنیان فهم آمریکایی از اخلاق را سست کنند زیرا تنها اخلاق، آزادی لازم برای حکومتی مردمی را تضمین می‌کند. برخلاف استدلال ارسطو که می‌گفت انسان‌ها برده‌های قوسی^۲، یعنی ذاتی هستند، آگوستین^۳ دیدگاهی از بن اخلاقی در این باره پیش می‌گیرد. انسان آزاد بود تا زمانی که اخلاق مند بود، که به معنی عمل کردن بر اساس اوامر عقل عملی است. وراثت شهر خدا^۴ نوشت «واضح است که گناه، اولین علت بردگی است.» در این دیدگاه از همین کتاب او ادامه داد که «یک انسان خوب، حتی اگر برده باشد، آزاد است اما یک انسان بدکار، حتی اگر پادشاه باشد، برده است. چرا که او تنها در خدمت یک انسان نیست، بلکه از آن بدتر، تعداد اربابانش به تعداد پلشتی‌های او است.»^۵ آن چه در این دیدگاه طول مفتوح مقدس اتفاق افتاد از الگوی کودتای شکست خورده‌ی ایران در سال ۱۳۰۹ پیروی می‌کرد. همان زمانی که سسی آی ای، سازمان کمک‌های ملی برای مردم سالاری، و گروهی از دیگر جبهه‌های سازمانی غیر دولتی تلاش کردند که در جنگی پنهان انتخابات آن سال را سرنگون کنند. من در مقاله‌ای درباره‌ی فیلم گلاب^۶ اثر جان استورات^۷ به این مسئله پرداختم. از این منظر، فهم تاریخ ایران ضروری است زیرا دوران جنگ روانی مدرن در زمانی در آنجا شروع شد که سسی آی ای با سرنگونی حکومت مصدق و روی کار آوردن شاه، عنوان عروسک خیمه شب بازیش دفتر چنین عملیات‌هایی را گشود.

1. Phusei
2. Augustine
3. City of God
4. Rosewater
5. Jon Stewart

هر دو کودتا هم در ایران و هم در ایندیانا به طور مشترک ریشه در برنامه‌های جنگ روانی و عقیدتی سی‌ای ای داشتند که در سال ۱۹۵۳ عملیاتی شد. به عبارت دیگر، پیش از آن که بفهمیم در سال ۲۰۱۵ چه چیزی در حال رخ دادن است باید به عقب برگردیم و بفهمیم در سال ۱۹۵۳ چه اتفاقی افتاد، یعنی همان سال تعیین‌کننده‌ای که سی‌ای بر کاخ سفید مسلط شد و با به نمایش گذاشتن کودتایی که مصدق را سرنگون ساخت و عروسک خیمه شب بازی آمریکا، شاه را به تخت طاووس نشاند دوران جنگ روانی را کلید زد. هزار و نهصد و پنجاه و سه همچنین همان سالی است که سی‌ای با جنگ عقیدتی‌اش را علیه کلیسای کاتولیک به راه انداخت. این برنامه توسط استادی دانشگاه جرجتاون^۱ به نام ادوارد لیلی^۲ طراحی شده بود، اما اجراگران اصلی‌اش، هنری لوس^۳، ناشر مؤسس مجله‌ی تایم^۴، جان کانتری موری^۵، فردی یسوعی که درباره‌ی موضوعات تاریک، به لوس مشورت می‌داد، و سی.دی. جکسون^۶ بودند، جکسون عامل سی‌ای بود. ربط این بنگاه با ابر انتشارات لایف/تایم بود.

در اکتبر ۱۹۶۵، آیت‌الله خمینی به عنوان مرحله‌ی دیگری از تحولات که توسط شاه بر او تحمیل شده بود به نجف در عراق رفت. نجف یکی از مهم‌ترین شهرهای مذهبی هر دو گروه شیعه و سنی مسلمان‌ها است. حرم امام علی، پسر عمو و اجداد پیامبر اسلام در آن‌جا است. در سال‌های ۱۹۷۰، این شهر به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تعلیم

1. Georgetown University
2. Edward Lily
3. Henry Luce
4. Time magazine
5. John Courtney Murray
6. C D. Jackson

عالم‌ان شیعه‌ی آینده تبدیل شد که متعهد بودند ایالات متحده را از ایران بیرون کنند. این عالم‌ان هم چنین جدا سازی مذهب از دولت را که در دنیای تشیع تحت حکومت حاکمان سکولاری مانند شاه عملی شده بود باطل کردند.

آیت الله خمینی حکمرانی اولیا یا ولایت فقیه را به عنوان جایگزین مفهوم آمریکایی جدایی دین از دولت پیشنهاد کرد. آیت الله خمینی دیدگاهش را بر اساس خوانش فارابی از افلاطون بنا نهاد که شورای حکام را به عنوان راهی برای حفظ نظم اجتماعی در بربر و مالف مردمی یا اولیگارشی^۱ و یا خرابکاری اخلاقی از نوعی که بعدها توسط بنیادینان مطرح شد، پیشنهاد می‌کند.

هم ایران هم ایندیانان در معرض انقلاب مخملی قرار داشتند، اما این انقلاب در ایران شکست خورد. در حالی که در ایندیانان موفق شد. هر دو انقلاب ضد مردم سالاری بودند. هر دو انقلاب توسط طایفه‌ها، سبزه‌براکتی می‌کردند و در پی این بودند که فرآیند مردم سالارانه را نامشروع جد دهند چرا که این فرآیند با نظر نخبگان درباره‌ی نظم اجتماعی تطابق نداشت. تفاوت اصلی در نقش دین بود. اسقف‌های ایندیانان با مفهوم جدایی کلیسا از دولت زمین گیر شدند و هم تابع حفاظت آن‌ها از قوانین اخلاقی شد، قوانینی که زیربنای نظم اجتماعی هستند.

هزار و نهصد و شصت و پنج، سالی که دوره‌ی برای دوم واتیکان به پایان رسید نیز سالی بود که کلیسای کاتولیک تعلیمات سنتی درباره‌ی رابطه‌ی میان دولت و کلیسا را رها کرد و به جای این که مانند پاپ لئوی سیزدهم^۲ ادعا کند که کلیسا نسبت به دولت مانند روح برای بدن است، حال دیگر جدایی آمریکایی مذهب از دولت را نه

1. oligarchie

2. Pope Leo XIII

به عنوان چیزی که می‌بایست تحمل شود بلکه به عنوان چیزی که به خودی خود نیکو بود، پذیرفت.

نتایج چنین تصمیمی هم برای کلیسا و هم برای دنیا فاجعه آمیز بود. کلیسای کاتولیک همه‌ی مبارزات فرهنگی ۵۰ ساله را تا به این جا واگذار کرده است. پس از فروپاشی هنگ نجات^۱ و حکم مراغه‌ی گریز وولد و کانتکتیکات^۲ که فروش وسایل ضد بارداری را باز دانسته بود، کلیسا متحمل شکست‌هایی یکی پس از دیگری شد و با حکم اخیر این شکست‌ها به اوج خود رسید. این حکم، هر قانونی که تصریح کرده باشد ازدواج باید میان یک زن و یک مرد صورت بگیرد را مردود می‌سازد. از دیگر سو، حکم تاریخی اولیه در ایران^۳ به رهبری اجازه داد که در این فرآیند سیاسی مداخله کند، انتخابات ۲۰۰۹ را مستبعد اعلام کند، و در نتیجه آن چه تبدیل به انقلاب مخملی دیگری شده بود را هدایت کند. انقلابی که مصمم بود استعمار طلبی آمریکایی و نظام اجرایی سرمایه‌داری آن را بر مردم ایران تحمیل کند. با مقایسه‌ی این دو واقعه می‌توان فهمید که در روزگار ما پیکار در جنگ پنهان چگونه صورت می‌گیرد و چگونه می‌توان از دین برای شکست دادن آن و دفع ارتعاشات ملت‌هایی که در معرض چنین تهاجمات‌هایی هستند استفاده کرد.

در ۲۱ ماه می ۲۰۱۳، نایب رئیس جمهور، جوزف بیسن^۳ از رویارویی بی‌درمانی در رسانه ستایش کرد... و به دلیل کمک به تغییر رفتار آمریکایی درباره‌ی اقلیت جنس گرایان از آنان قدردانی کرد.^۴ وقتی یهودیان که هالیوود و وال استریٹ را در

1. Legion of Decency

2. Griswold v. Connecticut decision

3. Joseph Biden

اختیار دارند قادر شدند مردم آمریکا را قانع کنند که لواط درست است و مخالفت با لواط غلط است، در این جنگ فرهنگی پیروز شدند چرا که کسانی که در اشتباه هستند هیچ حقی ندارد.

از دیدگاهی تاریخی، سال ۱۹۷۹ نمایانگر بازگشت سرکوب شدگان بود. مفهوم سنتی مذهب روح دولت است نه توسط کاتولیک‌ها بلکه توسط مسلمانان در ایران احیا شد، وقتی که آیت الله خمینی ولایت فقیه یعنی حکمرانی اولیا را به عنوان شالوده‌ی جمهوری اسلامی معین کرد. در ۱۹۷۹ ایرانی‌ها پرچمی را برافراشتند که کلیسا با سنت تعارضات سنتی مربوط به رابطه‌ی دولت و مذهب اجازه داده بود سرنگون شود. تاریخ مانند طبعاً در خلاء بزار است. اسلام تنبیه الهی است، این دین شمال آفریقا را در نوردید در حالی که از دعوت پاره پاره شده بود، بر امپراطوری مستهلک روم شرقی در ۱۴۵۴ پیروز شد. در ۱۹۷۹ تعلقات سنتی مربوط به رابطه‌ی میان مذهب و دولت را دوباره احیاء کرد.

حکم تاریخ به منزل رسید است. «اغ»، همان طور که دنثور^۱ در رومان ارباب حلقه‌ها اثر جی آر آر تولکین^۲ به طور پدیدارگرایی^۳ ای ادعا کرده بود، «باخته است». تجربه‌ی آزادی قاعده‌مند که توسط پدران بنیانگذار آمریکا نهاده شده بود در پایان قرن هجدهم به صورت پلیسی که توسط اسرائیلیان^۴ به نامی بوده دولتی نظارتی تحت رهبری شهروندان دوگانه‌ای^۵ مانند مایکل چرتوف^۶ به تباهی کشید. دولتی که با اسکنرهای بدن، شرمگاه‌هایمان را به امید ناکام گذاشتن توطئه‌های تروریستی و بررسی

1. Denethor
2. The Lord of the Rings
3. J.R.R. Tolkien
5. Michael Chertoff

^۴ شهروندی که در دو ایالت شهروند محسوب می‌شوند

می‌کند. مانند اجدادشان، استاسی آلمانی^۱ و چکای بولشویکی^۲، اداره‌ی امنیت میهن، مردم را دشمنان حکومت می‌بیند و به شبکه‌ای از جاسوسان، مخبران و بازرسان یهودی تکیه دارد تا آن‌ها را نظارت کنند. غرب باخته زیرا از خرد الهی رویگردان شده است. در ۲ سپتامبر ۲۰۱۵، سناتور باربارا میکولسکی از ایالت مریلند اعلام کرد که قصد دارد از مذاکرات هسته‌ای دولت رئیس‌جمهور اوباما با ایران حمایت کند، در نتیجه به رئیس‌جمهور ۳۴ رأیی را بخشید که او در سنا نیاز داشت تا توی احتمالی جمهوری خواهان را باطل کند. با پدیدار شدن بر مذاکره با ایران تا آخرین لحظه، رئیس‌جمهور اوباما پشت لابی اسرائیل، دانش‌گن شکست. هم زمان با این سخنان ما، آگاهی جهانی جدیدی از نقشی که یهودیان در فروپاشی اخلاقی غرب ایفا کردند و هم چنین در کج جدیدی از قوانین اخلاقی، همان تنها بنیان نظم اجتماعی و صلح جهانی در حال پدیدار شدن است.

1. German Stasi سازمان امنیت آلمان شرقی
2. Bolshevik CHEKA سازمان امنیت شوروی